

Original Article

Implementation of Universal Declaration of Human Rights Based on Islamic Teachings Focusing on Observation of Citizenship Rights

AliReza Farzi¹, Mahmoud Jalali^{2*}, Leila Reaisi³

1. Ph.D. Student of International Law, Islamic Azad University, Isfahan (Khorasgan) Branch, Isfahan, Iran.

2. Associate Professor, Department of Law, University of Isfahan, Isfahan, Iran. (Corresponding Author)

Email: m.jalali@ase.ui.ac.ir

3. Ph.D. Faculty Member of the Islamic Azad University, Isfahan (Khorasgan) Branch, Isfahan, Iran.

Received: 22 May 2018 Accepted: 21 Jan 2019

Abstract

Universal Declaration of Human Rights has been adopted by International Community in order to protect human fundamental and basic rights. Though almost the majority of Islamic countries have accepted this declaration, certain criticisms and objections have been raised as regards some of its articles by these countries and a number of efforts have been made in order revise and reform the challenging and disputable articles. This led to the adoption of Islamic Declaration of Human Rights in Cairo according to which the secular fundamental rights stipulated in Universal Declaration of Human Rights were islamized. The current essay is an effort for assessment of the numerous efforts that have been made for implementation of Islamic rules in the form of rules and regulations of Islamic Republic of Iran and also among Islamic countries.

Keywords: Universal Declaration of Human Rights; Islamic Declaration of Human Rights; Islamic Teachings; Iran; Islamic Countries; Citizenship Rights

Please cite this article as: Farzi AR, Jalali M, Reaisi L. Implementation of Universal Declaration of Human Rights Based on Islamic Teachings Focusing on Observation of Citizenship Rights. *Bioethics Journal*, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2019; 257-269.

مقاله پژوهشی

پیاده‌سازی اعلامیه جهانی حقوق بشر مبتنی بر تعالیم اسلامی با تأکید بر رعایت حقوق شهروندی

علیرضا فرضی^۱، محمود جلالی^{۲*}، لیلا رئیسی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

۲. دانشیار، گروه حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: m.jalali@ase.ui.ac.ir

۳. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۳/۱ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱

چکیده

اعلامیه جهانی حقوق بشر، به منظور پاسداشت حقوق بنیادین و اساسی انسان، مورد تصویب جامعه جهانی قرار گرفته است. با وجود این‌که قریب به غالب کشورهای اسلامی این اعلامیه را مورد پذیرش قرار داده‌اند، اما انتقادات و ایراداتی بر برخی مواد آن از سوی این کشورها ابراز شده و تلاش کرده‌اند تا مواد بحث‌برانگیز و چالشی موجود در این اعلامیه را از منظر اسلامی، مورد بازنویسی و تغییر قرار دهند. این امر، منجر به تصویب اعلامیه اسلامی حقوق بشر در قاهره شد که بر اساس آن، حقوق بنیادین سکولار موجد در اعلامیه جهانی حقوق بشر، رنگ و بویی اسلامی به خود گرفته است. مقاله حاضر، تلاش‌ها برای پیاده‌سازی احکام اسلام را در قوانین و مقررات در جمهوری اسلامی ایران و نیز، بین کشورهای اسلامی مورد بررسی قرار داده است.

واژگان کلیدی: اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ اعلامیه اسلامی حقوق بشر؛ تعالیم اسلام؛ ایران؛ کشورهای اسلامی؛ حقوق شهروندی

مقدمه

واژه «حق» در علم حقوق در معانی مختلفی استعمال می‌شود که برخی از آن معانی عبارتند از: حق، عبارت است از توانایی‌ای که شخص بر چیزی یا بر کسی داشته باشد، مانند حق مالکیت، حق پدری، حق فرزندی و... (۱). حق، امری است اعتباری که برای کسی، علیه دیگری وضع می‌شود. در این تعریف با سه عنصر رو به رو هستیم: ۱- کسی که حق برای اوست؛ ۲- کسی که حق علیه اوست؛ ۳- آنچه متعلق حق است (۲).

در تعریف دیگری از حق می‌توان گفت: «حقوق از نظر لغوی، جمع حق است و آن، اختیارات، توانایی‌ها و قابلیت‌هایی است که به موجب قانون، شرع، عرف و قرارداد برای انسان‌ها لحاظ شده و در اصطلاح، اصول، قواعد و مقرراتی است که روابط انسان‌ها را با هم در حقوق خصوصی و روابط فرمانروایان و فرمانبران را در حقوق عمومی و اساسی تنظیم می‌نماید. هر قاعده حقوقی که به صورت قانون در حقوق موضوعه درمی‌آید دارای خصوصیات زیر است: ۱- الزام‌آور است؛ ۲- چگونگی رعایت آن از طرف دولت تنظیم شده است؛ ۳- کلی و عمومی است؛ ۴- هدف آن، تنظیم روابط اجتماعی است» (۳).

نخستین تقسیم‌بندی درباره مفهوم حق را شاید بتوان تقسیم‌بندی معروف حق، در حق بودن و حق داشتن دانست. در این تقسیم‌بندی، حق در معنای نخست، مفهومی ارزشی دارد و اغلب معادل خوب بودن یا درست بودن به کار می‌رود که تقدم تاریخی طولانی بر حق در معنای دوم دارد. «حق در معنای دوم، همان بهره‌مندی فرد صاحب حق از برخی امتیازهاست که نظام حقوقی از آن‌ها حمایت می‌کند و اغلب در مقابل تکلیف قرار می‌گیرد. معنای اخیر حق محصول دوران مدرن بوده و در بستر جنبش‌های نظری و عملی آزادی خواهانه و برابری خواهانه انسان دوران مدرن رشد یافته است. حقوق دفاعی متهم به معنای بهره‌مندی متهم از برخی امتیازها، حمایت‌ها و تضمین‌های قانونی و قضایی در جریان دادرسی است. در فلسفه حقوق و حقوق کیفری، وقتی از حقوق دفاعی متهم صحبت می‌شود، منظور بار ارزشی آن نیست و موضوع گزاره‌های اخلاقی قرار نمی‌گیرد، بلکه مراد از

آن، بررسی بهره‌مندی متهم از حق‌ها و تضمین‌های مقرر شده برای وی در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی است. بنابراین حقوق دفاعی زیرمفهوم حق داشتن قرار می‌گیرند، نه زیرمفهوم حق بودن» (۴).

حقوق بشر، اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوقی است که هر فرد به طور ذاتی، فطری و به صرف انسان بودن از آن بهره‌مند می‌شود (۵). این تعریف، عواقب و بازتاب اجتماعی و سیاسی مهمی را برای مردم و حکومت‌ها به دنبال دارد. مطابق اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین‌المللی این حقوق ویژگی‌هایی همچون جهان‌شمول بودن، سلب‌ناشدنی، انتقال ناپذیری، تفکیک‌ناپذیری، عدم تبعیض و برابری طلبی، به هم‌پیوستگی و درهم‌تنیدگی را دارا است. از این رو به تمامی افراد در هر جایی از جهان تعلق دارد و هیچ کس را نمی‌توان به صرف منطقه جغرافیایی که در آن زیست می‌کند، از حقوق بشر محروم کرد، ضمن این‌که همه افراد فارغ از عواملی چون نژاد، ملیت، جنسیت و... در برخورداری از این حقوق با هم برابر و یکسانند و در این خصوص کسی را بر دیگری برتری نیست. «این حقوق شامل حقوق طبیعی یا حقوق قانونی که در قوانین ملی و بین‌المللی موجودند، می‌شد. دکترین و فعالین حقوق بشر، در فعالیت‌های بین‌المللی خود در زمینه حقوق بین‌المللی، نهادهای جهانی و منطقه‌ای، سیاست‌های دولتی و در فعالیت‌های سازمان‌های غیر دولتی، اساس و شالوده سیاست‌های عمومی و اختصاصی در این زمینه را بنا نهاده است» (۶).

با این دیدگاه و به منظور پاسداشت حقوق بنیادی بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در سال ۱۹۴۸ و در پاسخ به جنایات جنگ جهانی دوم، به تصویب رسید. «اگرچه اعلامیه جهانی حقوق بشر قطعنامه‌هایی غیر الزام‌آور و فاقد ضمانت اجرا بود، اما هم‌اکنون، پایبندی و پذیرش حقوق عرفی بین‌الملل تا حدودی قواعد آن را الزام‌آور ساخته است» (۷). با تدوین اعلامیه حقوق بشر، پاره‌ای از کشورهای اسلامی، برخی بندهای آن را خلاف تعالیم و آموزه‌های اسلامی دانسته و بر این اساس، مخالفت خود را با این بخش‌ها ابراز داشته و تلاش کرده‌اند تا این

بخش‌ها را بر اساس تعالیم اسلام، بازنویسی و تغییر دهند. «اسلام، اساس فضیلت و شرف و برتری را ایمان صحیح و فضائل اخلاقی می‌داند. از این رو کسانی را که در عقیده و ایمان تکیه‌گاهی نداشته و پایبند مبدأیی نبوده و به خدای واحد غیبی معتقد نباشند، در حقیقت از حیطه انسانیت خارج دانسته و وجود آن‌ها را مضر به جامعه بشریت شناخته است» (۸).

با توجه به این دیدگاه بین کشورهای مسلمان، نیمه دوم قرن بیستم حداقل شاهد چهار بیانیه حقوق بشر اسلامی بوده است: ۱- اعلامیه حقوق و تکالیف انسان در اسلام که در سال ۱۹۷۹ به وسیله رابطه العالم الاسلامی در عربستان منتشر شد؛ ۲- بیانیه جهانی اسلام که به وسیله شورای اسلامی - اروپایی در سال ۱۹۸۰ منتشر شد؛ ۳- بیانیه جهانی حقوق بشر در اسلام که در سال ۱۹۸۱ منتشر شد؛ ۴- بیانیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلام که در سال ۱۹۹۰ تصویب و اعلام گشت. از میان بیانیه‌های بالا، مهم‌ترین و رسمی‌ترین آن‌ها همین بیانیه قاهره است که به اعلامیه اسلامی حقوق بشر (بیانیه قاهره) معروف شده است (۹).

امروزه جهانی‌شدن حقوق بشر و تأثیر آن بر جنبه‌های مختلف زندگی انسان‌ها بسیاری از مفاهیم سنتی حوزه روابط بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داد. نظارت نهادهای مختلف بین‌المللی بر اجرای حقوق بشر در کشورهای مختلف جهان موجب محدودیت‌هایی برای حاکمیت دولت‌ها گشته و این امر باعث گردیده تا بسیاری از دولت‌ها، به ویژه دولت‌های خاورمیانه حاضر به پذیرش آن به طور کامل نگردند. این دولت‌ها اجرای قوانین حقوق بشری و حقوق شهروندی که متضمن تأمین حقوق ملت‌هاست را خدشه‌ای بر حاکمیت خود میدانند. این بازیگران هنوز حاکمیت را مطلق پنداشته و از این‌که مسائلی چون حقوق بشر و حقوق شهروندی می‌تواند راه را برای مداخله در امور داخلی آن‌ها باز کنند، به شدت نگرانند. در پاسخ به عدم رعایت تمام قوانین حقوق بشری و شهروندی، دولت‌های خاورمیانه اظهار می‌دارند حقوق بشر سازمان ملل متحد ریشه در لیبرالیسم دارد. آن‌ها همچنین اظهار می‌دارند که حقوق بشر لیبرالیسم برگرفته از ادیان الهی

نمی‌باشد و بخشی از آموزه‌های لیبرالیسم با آموزه‌های اسلامی در تضاد است (۱۰).

ایران در طول تاریخ بجز در دوره‌هایی کوتاه شاهد ظهور حاکمان و دولت‌های مستبدی بود که آن‌ها همواره خود را سایه خداوند می‌دانستند. ساختار قدرت در نظام‌های سیاسی این مستبدان به گونه‌ای می‌بود که احکام صادره از سوی آن‌ها با وجودی که مردم را از حقوق اولیه و حقوق شهروندی محروم ساخته بود، می‌بایستی بدون چون و چرا به اجرا در می‌آمد. این وضعیت تا انقلاب مشروطه ادامه یافت و در این دوره کوتاه صحبت از برابری، عدالت و حقوق شهروندی به میان آمد ولی به دلیل اختلافات بین رهبران انقلاب، مشروطه در کوتاه‌مدت با شکست مواجه شد و نتوانست حکومت قانون را در ایران مستولی کند، حتی در دوره پهلوی با وجود بازکردن درهای مدرنیته به روی ملت و رشد اقتصادی، ولی به علت عدم توسعه سیاسی، حقوق بشر و حقوق شهروندی در ایران شکل نگرفت (۱۱). پیروزی انقلاب اسلامی در ایران این امید را در بین ملت به وجود آورد که حقوق بشر (در این سال حقوق بشر تبدیل به شعار بسیاری از دولت‌های جهانی از جمله دولت وقت امریکا، جیمی کارتر شده بود) و حقوق شهروندی در ایران به معنای واقعی شکل خواهد گرفت. تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی با اصول ۱۹، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۳۲، ۴۷ و... که حقوق برابر و شهروندی را در خود گنجانده بود، امید زیادی به مردم داده بود تا به حقوق بشر و حقوق شهروندی دست یابند و بدین سبب قانون اساسی با رأی زیادی از طرف ملت مورد تأیید گرفت. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای پاسداشت از حقوق بشر و شهروندی اصول مختلفی آمده که متضمن حقوق و آزادی‌های مشروع ملت شده است.

از جمله کشورهایی که سعی داشته اصول اعلامیه حقوق بشر از جمله ماده ۱۸ آنکه در خصوص آزادی بیان می‌باشد را با احکام اسلامی تلفیق نماید، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. در این مقاله، به بررسی اصولی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوانین عادی که آزادی‌های سیاسی

از جمله آزادی بیان را مورد تأیید و تأکید قرار می‌دهد، پرداخته شده است.

تأکید بر حقوق آزادی‌های سیاسی در قوانین ایران

اصل نهم قانون اساسی می‌گوید: «در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند... و در ذیل اصل می‌گوید: ... هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب کند. ماده ۴۸ قانون تعزیرات نیز مقرر می‌دارد: «هر یک از وزا و مقامات و مأمورین دولتی که برخلاف قانون آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا افراد ملت را از حقوقی که قانون اساسی جمهوری اسلامی به آن‌ها داده محروم نمایند، از شغل خود منفصل و از سه تا پنج سال از مشاغل دولتی محروم خواهد شد.» بند ۷ اصل سوم قانون اساسی از جمله وظایف اصلی دولت را: «تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون» می‌داند. طبق اصل ۲۴ قانون اساسی: نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد...»

ماده ۳ قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ نیز می‌گوید: «مطبوعات نظرات، انتقادات سازنده پیشنهادها توضیحات مردم و مسئولین را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند.» ماده ۶ همان قانون مقرر می‌دارد: «نشریات جز در موارد اخلاف به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی که در این فصل مشخص می‌شوند، آزادند...» همچنین به حکم ماده ۴ همین قانون: «هیچ مقام دولتی و غیر دولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله درصد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند.»

در جهت تأمین آزادی مشروع مطبوعات، اصل ۱۶۸ قانون اساسی تأکید بر علنی‌بودن حضور هیأت منصفه در محاکمه جرائم مطبوعاتی نیز مقرر می‌دارد: «رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد...» ماده ۳۴ قانون

مطبوعات نیز مقرر می‌دارد: «به جرائم ارتكابی وسیله مطبوعات در دادگاه صالحه با حضور هیأت منصفه رسیدگی می‌شود» (۱۲).

«طبق اصل ۲۷ قانون اساسی «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها بدون حمل سلاح به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است.» اصل ۲۶ قانون اساسی در زمینه آزادی تشکیل احزاب می‌گوید، احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده آزادند، مشروط به این‌که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند.»

در تبصره ۲ ماده ۶ قانون فعالیت احزاب مصوب شهریور ماه سال ۱۳۶۰ نیز آمده است که: «برگزاری راهپیمایی‌ها با اطلاع وزارت کشور بدون حمل سلاح در صورتی که به تشخیص کمیسیون ماده ۱۰ مخل به مبانی اسلام نباشد و نیز تشکیل اجتماعات در میادین و پارک‌های عمومی با کسب مجوز از وزارت کشور آزاد است. محدودکردن آزادی‌های مختلف به عدم اخلاف به مبانی اسلام که در اصول مختلف قانون اساسی و مواد قانون عادی آمده، بدین جهت است که بنیان حکومت بر اساس مبانی اسلامی گذاشته شده و آرای ملت برای استقرار چنین حکومتی ابراز شده و نظم عمومی جامعه با ویژگی‌هایی که جامعه ما دارد، با استحکام مبانی اسلامی و مذهبی استقرار می‌یابد. بنابراین طبیعی است مانند هر حکومتی که حق دارد برای اعمالی که بر اساس آن و نظم و اخلاق عمومی جامعه‌اش لطمه وارد می‌آورد، محدودیت‌هایی قائل شود. دولت جمهوری اسلامی ایران هم در همان راستای مقررات میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مجاز است محدودیت‌های قانونی در این رابطه برقرار نماید.» (۱۳).

نهادهای حکومتی رسیدگی‌کننده به نقض حقوق بشر در حقوق ایران

در این مبحث، نهادها و ارگان‌هایی که در زمینه نقض حقوق بشر از جمله آزادی بیان صالح به رسیدگی و اتخاذ تصمیم هستند، مورد بررسی قرار می‌گیرند. قابل ذکر است که

این نهادها و ارگان‌ها در خصوص تمامی آزادی‌های شخصی و سیاسی و اجتماعی افراد جامعه که توسط مأمورین دولتی و حکومتی نقض می‌گردد، صالح به رسیدگی و پیگیری بوده و تنها اختصاص به نقض حق آزادی بیان نمی‌باشد. در این ارتباط، به غیر از دادگاه‌ها که روند صحیح عملکرد آن‌ها می‌تواند حقوق انسانی افراد را تضمین نماید، از سه نهاد قانونی دیگر که در رسیدگی به تظلمات و شکایات مردم و رسیدگی به آن‌ها و نظارت بر حسن اجرای قانون و نتیجتاً جلوگیری از نقض حقوق، تأثیر به سزایی دارند، می‌توان نام برد:

۱- کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی، به موجب اصل ۹۰ قانون اساسی، هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضاییه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایت رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضاییه مربوط است، رسیدگی و پاسخ کافی از آن‌ها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند.

ماده ۴۴ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی نیز مقرر می‌دارد: «بر اساس اصل ۹۰ قانون اساسی کمیسیونی به نام کمیسیون اصل ۹۰ برای رسیدگی به شکایات از طرز کار مجلس یا قوه مجریه و یا قوه قضاییه و برای تحقق بخشیدن به اهداف مذکور در اصل ۹۰ تشکیل می‌گردد. این کمیسیون می‌تواند با قوای سه گانه جمهوری اسلامی و تمام وزارت خانه‌ها و ادارات و سازمان‌های وابسته به آن‌ها و بنیادها و نهادهای انقلابی و مؤسساتی که به نحوی از انحا به یکی از قوای فوق‌الذکر مربوط می‌باشند، مستقیماً مکاتبه یا به آن‌ها مراجعه نماید و برای رسیدگی به شکایاتی که از طرف مسئولین مربوطه بدون جواب مانده و یا جواب قانع‌کننده بدان‌ها داده نشده و رفع مشکلات توضیح بخواهد و آن‌ها مکلفند در اسرع وقت جواب کافی بدهند. گزارش‌های کمیسیون اصل ۹۰ پس از ارایه به هیأت ریسه بدون رعایت نوبت در دستور کار مجلس قرار می‌گیرد و در اولین جلسه علنی قرائت می‌گردد.»

قانون نحوه اجرای اصل ۹۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۶۵ تشکیلات و صلاحیت و حدود اختیارات کمیسیون را بیان کرده است. طبق ماده ۳ قانون مزبور: «چنانچه شکایتی نیاز به تحقیق و بررسی داشته باشد، کمیسیون می‌تواند بازرسی یا بازرسانی را از میان نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب هیأت ریسه کمیسیون اعزام نماید. در این صورت مسئولین ذی‌ربط موظفند همکاری لازم را از هر جهت با آنان معمول دارند.» «به حکم تبصره ماده ۵: کمیسیون پس از بررسی لازم و احراز تخلف از دادگاه صالح تقاضای رسیدگی قضایی خارج از نوبت را می‌نماید. دادگاه مکلف است پس از صدور حکم نتیجه را به کمیسیون اطلاع دهد» (۱۴).

۲- دیوان عدالت اداری، طبق اصل ۱۷۳ قانون اساسی: «به منظور رسیدگی به شکایات تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آن‌ها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضاییه تأسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون معین می‌کند.» قانون عادی مربوط به دیوان عدالت اداری در اسفند ماه سال ۱۳۶۰ تصویب شد و بر اساس آن در سال ۱۳۶۱، دیوان عدالت اداری تأسیس گردید. طبق قانون مزبور دیوان عدالت اداری در تهران تشکیل می‌شود و امکان تشکیل شعب آن در شهرستان‌ها نیز وجود دارد. هر شعبه دارای دو عضو است که یکی رئیس و یا علی‌البدل رئیس است و دیگری عنوان مشاور را دارد. رؤسا و اعضا علی‌البدل و مشاوران دیوان عدالت اداری از بین کسانی که صلاحیت قضاوت دارند و معمولاً از بین قضات عالی رتبه انتخاب می‌شوند. صلاحیت دیوان طبق ماده ۱ قانون مزبور به شرح زیر بیان شده است:

- رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از: ۱- تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و تشکیلات و نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آن‌ها؛ ۲- آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها از حیث مخالفت مدلول آن‌ها با قانون و

احقاق حقوق اشخاص در مواردی که تصمیمات یا اقدامات یا مقررات مذکور به علت برخلاف قانون بودن آن و یا عدم صلاحیت مراجع مربوط یا تجاوز یا سوء استفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایف، موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود.

- رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آرا و تصمیمات قطعی دادگاه‌های اداری، هیأت‌های بازرسی و کمیسیون‌های مالیاتی، شورای کارگاه، هیأت حل اختلاف کارگر و کارفرما، کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها، کمیسیون ماده موضوع ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و منابع طبیعی منحصرأ از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آن‌ها.

- رسیدگی به شکایات قضات و مشمولین قانون استخدام کشوری و سایر مستخدمین واحدها و مؤسسات مذکور در بند ۱ و مستخدمین مؤسساتی که شمول این قانون نسبت به آن‌ها محتاج ذکر نام استف اعم از لشکری و کشوری از حیث تضییع حقوق استخدامی.

طبق ماده ۲۱ این قانون، «واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و تشکیلات و مؤسسات وابسته به آن‌ها و نهادهای انقلابی مکلفند احکام دیوان را در آن قسمت که مربوط به واحدهای مذکور است، اجرا نمایند. در صورت استنکاف مرتکب به حکم دیوان به انفصال از خدمت دولتی و قانونی محکوم می‌شود.»

۳- سازمان بازرسی کل کشور، اصل ۱۷۴ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «بر اساس حق نظارت قوه قضاییه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضاییه تشکیل می‌گردد.»

قانون عادی مربوط به حدود و اختیارات و تشکیلات سازمان بازرسی کل کشور در مهرماه ۱۳۶۰ و آیین‌نامه اجرایی آن در آذرماه همان سال به تصویب رسید. رئیس سازمان از میان قضات شرع یا قضات دادگستری که حداقل دارای رتبه ده قضایی باشند، توسط رئیس قوه قضاییه تعیین می‌شود. بازرسان سازمان نیز از بین قضات یا کسانی که گواهی

صلاحیت قضات را دارند، انتخاب می‌گردند. طبق قانون مزبور، سازمان دو نوع بازرسی انجام می‌دهد: یکی بازرسی مستمر از کلیه وزارتخانه‌ها و ادارات و نیروهای نظامی و انتظامی و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و نهادهای انقلابی ... (بند «الف» ماده ۲ قانون) و دیگری بازرسی فوق‌العاده که طبق بند «ب» ماده مزبور: به دستور رئیس قوه قضاییه یا به درخواست کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی و یا به تقاضای وزیر یا مسؤول دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و یا هر مورد دیگری که به نظر رئیس سازمان و رئیس قوه قضاییه ضروری تشخیص داده شود.

سازمان شکایات و اعلامات مردم را نیز دریافت می‌دارد و چنانچه مدلل باشد، رئیس سازمان بر اساس آن‌ها بازرسی یا هیأت بازرسی اعزام می‌دارد (ماده ۹ و ۱۰ آیین‌نامه سازمان بازرسی کل کشور). طبق تبصره ماده ۲ قانون سازمان بازرسی، در بازرسی‌هایی که به دنبال شکایت انجام می‌گیرد، یک نسخه از گزارش مبنی بر تشخیص تخلف توسط سازمان، به دیوان عدالت ارسال می‌گردد که طبعاً دیوان برحسب مورد اقدام به ابطال تصمیم یا اقدام واحد مورد بازرسی خواهد نمود. طبق ماده ۶: «در هر مورد که تعقیب جزایی ضرورت پیدا کند، مراتب به پیشنهاد بازرسی یا رئیس هیأت بازرسی از طریق سازمان به دادستانی محل اعلام و تا حصول نتیجه پیگیری شده و در صورتی که خود دادستان و یا حاکم شرع مورد تعقیب قرار گیرند، مراتب سریعاً به رئیس قوه قضاییه گزارش تا دستور لازم صادر شود.» دو نهاد جدید حقوق بشر نیز اخیراً اعلام موجودیت کردند، یکی کمیسیون حقوق بشر مجلس شورای اسلامی و دیگری کمیسیون حقوق بشر اسلامی قوه قضاییه که هنوز گام‌های آغازین را برمی‌دارند و دوران تأسیس و تشکیل را می‌گذرانند» (۱۵).

تلاش‌های بین‌المللی جهت تدوین اعلامیه حقوق بشر اسلامی

۱- ضرورت تدوین اعلامیه حقوق بشر اسلامی

اگرچه اعلامیه جهانی حقوق بشر به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده و رسماً توسط یکایک کشورهای

عضو این سازمان، به عنوان تعهدی الزام‌آور، پذیرفته شده است، ولی باید دانست مفاد این اعلامیه با باورها و ارزش‌های بسیاری از ملل جهان، سازگاری ندارد. به طور مثال، کنفرانس مقدماتی کشورهای آسیایی در بانکوک اعلام کرد به منظور حمایت از حقوق بشر، تفاوت‌های موجود در زمینه‌های ملی و مذهبی را باید در نظر گرفت یا این‌که در اعلامیه قاهره (۹ ژوئن ۱۹۹۲ م.) کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، حقوق بشر را پس از معیارهای مذهبی اسلامی در مقام دوم اهمیت قرار داده‌اند، ولی در هر حال، جهانی‌بودن حقوق بشر و اتفاق همه ملت‌ها در بسیاری از مواد این اعلامیه، واضح است. کشورهای مسلمان در ۱۴ محرم ۱۴۱۱ در قاهره، اعلامیه‌ای را به تصویب رساندند که به «اعلامیه اسلامی حقوق بشر» معروف شد. این اعلامیه، نسبت به اعلامیه جهانی، اضافاتی دارد و همچنین با برخی از آزادی‌های مندرج در آن، مخالف است که این اختلاف، ناشی از تفاوت در دیدگاه اسلام و غرب است. در مقایسه حقوق جهانی با حقوق مصرح در اسلام باید گفت: «بدون قرارگرفتن تحت تأثیر احساس و ذوقیات، نه‌تنها همه مواد شایسته این اعلامیه در منابع اولیه و معتبر اسلامی، با استناد به متون اصلی دین وجود دارد، بلکه اضافه بر آن مواد، حقوق و احکامی در منابع اسلامی راجع به بشر در موقعیت جهانی وجود دارد که می‌تواند امتیازی خاص برای فقه و حقوق اسلامی محسوب شود و در عین حال، خالی از برخی اشکالات جزئی و یا نواقصی است که در اعلامیه مورد بحث، قابل مشاهده است» (۱۶).

۲- تشریفات تدوین اعلامیه حقوق بشر اسلامی

تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر با رد موضع‌گیری دولت‌های اسلامی و اندیشمندان اسلامی مواجه شد. اعلامیه در مواردی با احکام اسلامی کاملاً مغایر بود، مانند حق آزادی مذهب و حق تغییر آن. مسلمانان تنها اسلام را دین حق می‌دانند و ارتداد را گناهی بزرگ و درخور مجازات عظیمی می‌دانند، با این حال پس از مدتی تحت فشار جامع جهانی و تبلیغات وسیع جهانی به نفع حقوق بشر و مقبول‌افتادن اعلامیه مذکور در سطح دنیا، برخی از متفکران جهان اسلام با پذیرش اصول اعلام‌شده در اعلامیه جهانی درصدد تطبیق

آن‌ها با موازین اسلامی برآمدند و کوشیدند ثابت نمایند که این اصول و حقوق به نحو کامل‌تر و بهتری در اسلام وجود دارد و بعدها با الگوگیری از اعلامیه حقوق بشر بر آن شدند اصول و قواعد حقوق بشر را از متون اسلامی درآورده و آن را به صورت متنی مدون به جامعه جهانی ارائه دهند. در این راستا از سوی سازمان کنفرانس اسلامی سه اعلامیه در رابطه با حقوق بشر منتشر شده است:

- طرح اعلامیه حقوق و تکالیف اساسی انسان در اسلام، در سال ۱۹۷۹ در مکه مکرمه در عربستان.

- طرح سندی در رابطه با حقوق بشر در اسلام در سال ۱۹۸۸ در شهر طائف در عربستان.

- اعلامیه حقوق بشر اسلامی که در سال ۱۹۹۰ در شهر قاهره به تصویب رسید (۱۷).

این اعلامیه در اجلاسی که در ۲۱ ژوئیه تا ۵ اوت ۱۹۹۰ مطابق با ۹ تا ۱۴ محرم سال ۱۴۱۱ قمری و ۱۰ تا ۱۵ مرداد ماه ۱۳۶۹ در قاهره و طی قطع‌نامه‌ای در نوزدهمین اجلاس وزرای خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی به تصویب رسید. سازمان کنفرانس اسلامی این سند را صرفاً به عنوان یک اعلامیه که بیان تلقی مشترک از حقوق بشر اسلامی و نه یک کنوانسیون یا معاهده‌ای الزام‌آور تصویب می‌نماید و به نظر می‌رسد که این اعلامیه به حالت قطعیت نرسیده و بعد از گذشت ۲۰ سال از زمان تصویب آن هنوز در مراحل ابتدایی اجرا می‌باشد.

۳- محتوای اعلامیه حقوق بشر اسلامی

اعلامیه فوق، شامل یک مقدمه و ۲۵ ماده می‌باشد. مقدمه آن، با این عبارت شروع می‌شود: «دولت‌های عضو سازمان کنفرانس اسلامی، ضمن تأکید بر نقش تمدنی و تاریخی امت اسلامی که خداوند آن را بهترین امت برگزید...» بعد از آن، مواد بیست‌وپنج‌گانه را ارائه می‌دهد. محتوای این اعلامیه همانند محتوای اعلامیه جهانی، آزادی سیاسی و اجتماعی و بسیاری از آزادی‌های دیگر را از حقوق انسان‌ها می‌داند و دولت و اجتماع را در فراهم‌نمودن محیط زندگی برای برخورداری از این حقوق مسؤول می‌داند، با این حال محتوای اعلامیه آزادی را که در تضاد با حقوق و تکالیف جامعه و فرد

می‌برند، به رسمیت شناخته و تمام دولت‌ها و ملت‌ها را موظف به یاری‌رساندن به قربانیان استعمار در جهت نابودی این پدیده مخرب دانسته است. همچنین حق زندگی در محیط پاک و دور از مفسد اخلاقی و لزوم حرمت انسان پس از مرگ را به گونه‌ای بدیع مورد اشاره و پذیرش قرار داده است (۱۸).

همچنین این اعلامیه قدرت حکومت را به امانتی تعبیر کرده که به حاکم یا هیأت حاکمه سپرده شده است و مقتضای امانت‌داری این است که از آن سوء استفاده نشود. بنابراین استبداد و دیکتاتوری و هر نوع سوء استفاده از قدرت، خیانت در امانت تلقی می‌شود و ممنوع است و طبعاً وقتی امین از دایره امانت‌داری خارج شد، مشروعیت خود را از دست می‌دهد. چنانچه در بند «الف» ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گوید: «ولایت امانتی است که استبداد یا سوء استفاده از آن شدیداً ممنوع است، زیرا که حقوق اساسی انسان از این راه تضمین می‌شود.»

۶- حق آزادی بیان در اعلامیه حقوق بشر اسلامی

در بند «الف» ماده ۲۲ اعلامیه حقوق بشر اسلامی آمده است: «هر انسانی حق دارد نظر خود را به هر شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد، آزادانه بیان کند.» بندهای «ب» و «ج» این ماده نیز به نوعی با حق آزادی بیان مرتبط هستند. طبق بند «د» همین ماده: برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی و یا هر چیزی که منجر به برانگیختن هر نوع حس تبعیض نژادی گردد، جایز نیست. لازم به توضیح است که این اعلامیه جنبه شرعی و مذهبی دارد و به صراحت در ماده ۲۴ آن، ذکر شده است که: «کلیه حقوق و آزادی‌های مذکور در این سند، مشروط به مطابقت با احکام شریعت اسلامی است.» بنابراین محدودیت‌های مندرج در دیگر اسناد بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای برای اعمال حقوق و آزادی‌ها در این اعلامیه ذکر نشده است و تنها با احکام شریعت اسلامی مقایسه و منطبق می‌شود.

۷- تضادهای واضح اعلامیه اسلامی به اعلامیه جهانی حقوق بشر

تعارض‌ها و تفاوت‌های مشخص و ملموسی بین اعلامیه حقوق بشر اسلامی و اعلامیه جهانی حقوق بشر وجود دارد که به پاره ای از این تفاوت‌ها در ذیل، اشاره شده است:

باشد را ممنوع نموده است. در کل، محتوای این اعلامیه همانند اعلامیه جهانی صرفاً یک بیانیه مشترک از حقوق اسلامی است و نه کنوانسیون یا معاهده‌ای الزام‌آور. محتوای این اعلامیه هنگام بررسی در سازمان کنفرانس اسلامی، مورد حذفیات و برخی تغییرات دیگر گرفت و آن را تا حدودی به اعلامیه جهانی نزدیک نمود، ولی نکته قابل تأمل این است که محتوای اعلامیه هنوز از حد اعلامیه صرف، خارج نشده است.

۴- ویژگی‌های کلی اعلامیه حقوق بشر اسلامی

اعلامیه حقوق بشر اسلامی همانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، بر شرافت و کرامت ذاتی انسان تکیه کرده و برخی حقوق لازم‌الرعایه را احصا نموده است که باید آن‌ها را به رسمیت شناخت و در مقام اعمال و اجرای آن‌ها برآمد. برخی از اصولی که به عنوان حقوق و آزادی‌های اساسی در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده، در این اعلامیه نیز آمده است. برخی از حقوق هم که در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیامده، در اعلامیه اسلامی مورد توجه و تصریح قرار گرفته است، مثل ممنوعیت استعمارگری و حق مبارزه با آن یا حق مقابله با تجاوز به حیات انسان و نیز حق زندگی در محیط پاک و دور از مفسد اخلاقی و داشتن امنیت دینی علاوه بر امنیت‌های مربوط به جان و خانواده و ناموس و نیز اشاره به لزوم حفظ حرمت انسان حتی پس از حیات او و محترم شمردن جنازه او.

۵- ابداعات و نوآوری‌های اعلامیه حقوق بشر اسلامی

یکی از ارزشمندترین خصایص اعلامیه حقوق بشر اسلامی، توجه به نکاتی است که در اعلامیه جهانی بدان توجه نشده است. این اعلامیه با حمایت از حقوقی که بی‌تردید در زمره حقوق مسلم بشر قرار دارند، ولی در اعلامیه جهانی مورد غفلت واقع شده‌اند، جایگاه خود را به عنوان اعلامیه‌ای با مضامین بدیع در مقابل جهانیان به اثبات رساند و ارزش و اهمیت حقوق بشر در دین اسلام را نمایان ساخت. اعلامیه مذکور با ممنوع‌شناختن استعمار و استعمارگری حق مبارزه با این موضوع را برای همه افراد بشر قایل شده است و به صراحت انواع گوناگون استعمار را به عنوان بدترین نوع بردگی تحریم می‌کند. اعلامیه حقوق بشر اسلامی، حق رهایی و تعیین سرنوشت را برای تمامی ملت‌هایی که از استعمار رنج

۱-۷- نقش مذهب در اعلامیه اسلامی حقوق بشر:

نقش مذهب در اعلامیه اسلامی پررنگ‌تر از اعلامیه جهانی می‌باشد. ماده ۱۸ اعلامیه جهانی بیان می‌دارد: «هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود.» این حق، متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و اظهار هر نوع عقیده دینی یا غیر دینی می‌شود، اما اعلامیه اسلامی در ماده ۱۰ خود بیان می‌دارد: «این فطرت است و به کاربردن هر گونه اکراه نسبت به انسان با بهره‌برداری از فقر و جهل انسان جهت تغییر این دین به دین دیگر یا به الحاد جایز نمی‌باشد.» این ماده در تعارض آشکار با ماده ۱۸ اعلامیه جهانی می‌باشد، چراکه دین را فطری دانسته و تغییر آن را به دین دیگر با بهره‌برداری از جهل و فقر جایز نمی‌داند، در صورتی که اعلامیه جهانی به آزادی مطلق در دین و تغییر آن اذعان دارد.

۲-۷- کلی‌گویی در اعلامیه جهانی حقوق بشر:

اعلامیه جهانی به مسأله برابری و کرامت بشر به شکل کلی اشاره دارد. اگر در مقدمه اعلامیه جهانی به کرامت انسان‌ها، برابری آن‌ها و یکسان آفریده‌شدن آن‌ها که از مفاهیم مذهبی و دینی است، اشاره شد، به این خاطر است که بر مبنای آن اجرای حقوقی را بیان دارد. اعلامیه جهانی به تکیه بر عقیده صحیح و حفظ آن کاری ندارد؛ راه‌های رسیدن به کرامت بشری برابری را مورد اشاره قرار نمی‌دهد و حتی مکتبی را جهت رسیدن به این اهداف بیان نمی‌دارد، ولی اعلامیه اسلامی در ماده ۱ خود عقیده صحیح یا همان اسلام را تنها تضمین برای رشد شرافت و کرامت انسانی می‌داند. بنابراین از شکل کلی‌گویی خارج و جنبه اجرایی به آن داده است.

۸- مخالفت‌ها با اعلامیه اسلامی حقوق بشر

اعلامیه اسلامی حقوق بشر، با مخالفت‌ها و انتقادهایی نیز رو به رو شده است و برخی متفکران با آن، به دلایل مختلفی، مخالف می‌باشند که در میان آنان، عده‌ای از متفکران و اندیشمندان مسلمان نیز وجود دارند. برخی متفکران مسلمان بر این نکته تصریح و تأکید کرده‌اند که اعلامیه جهانی حقوق بشر، از آنجا که برخاسته از حقوق مطرح در ادیان ابراهیمی (مسیحیت و یهود) است، اختلاف چندانی با فقه و حقوق اسلامی ندارد، بلکه در روزگار تصویب، نخست مورد تأیید

علمای بزرگ مسلمان (شیعه و غیر شیعه) قرار گرفته و سپس از سوی ملت‌ها و دولت‌های مسلمان، پذیرفته شده است. برخی نیز تصریح کرده‌اند که این اعلامیه، شاید تا ۹۸٪ با فقه و حقوق اسلام، مطابقت دارد. بر این نکته باید افزود که علما و حقوقدانان مسلمان در نشست قاهره، نتوانستند به این پرسش پاسخ دهند که اگر قرار بر دخالت‌دادن اعتقادات دینی مسلمانان در اعلامیه جهانی حقوق بشر باشد، اولاً آیا این حق برای هندوها، سیک‌ها، بودایی‌ها، توتم پرستان آفریقا و... هم محفوظ است که چنین ادعایی داشته باشند و اعتقادات خود را در حقوق و قوانین جامعه خود، حاکم کنند؟ ثانیاً تکلیف آن دسته از فرقه‌ها و گروه‌های مسلمانی که همین اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب قاهره را هم قبول ندارند (مثل گروه‌های تندرو اسلامی، سلفی‌ها، وهابی‌ها و نیز برخی روشن فکران پیشرو) چه می‌شود؟

تفاوت حقوق بشر با حقوق شهروندی

در اغلب اوقات مفهوم حقوق بشر با مفهوم حقوق شهروندی مترادف یکدیگر به کار می‌روند، ولی باید این دو مفهوم را از یکدیگر تفکیک نمود، چراکه در بین این دو مرزهای ظریفی وجود دارند. حقوق شهروندی آن بخش از حقوق انسان‌ها را شامل می‌گردد که در قانون اساسی کشورهایشان شکل ملی به خود می‌گیرد و فقط شامل شهروندان خود آن کشور خاص می‌شود. شهروند وابستگی به جامعه‌ای دارد که متعلق به آن است. در این رابطه شهروندان یک کشور از قوانین خود آن کشور تأثیر پذیرفته و در مسؤولیت‌ها و تکالیفی که دولت آن کشور با قوانینی که تصویب نموده، مشارکت می‌نمایند. شرکت در اجتماعات شهری، فعالیت‌های مختلف در نهادها و سازمان‌ها محلی و حق رأی از جمله حقوق شهروندی محسوب می‌گردد، اما حقوق بشر ناظر به حقوقی است که انسان بمانو انسان از آن برخوردار می‌شود. شهروندی فصل مشترکی با مفهوم ملیت دارد، ولی حقوق بشر دربرگیرنده حقوق فراملی و بنیادی، صرف نظر از فرهنگ و آداب و رسوم ملی کشورها است (۱۹). حقوق بشر به عنوان حقوق پایه و اولیه تکلیف و تعهدی

بنیادین است که مشروعیت آن به طرح و تصریح در قانون اساسی هم نبوده و در صورت عدم طرح آن در قوانین هم، هر دولتی مکلف به انجام آن‌هاست. بعد از جنگ جهانی دوم آموزش شهروندی در مدارس و دانشگاه‌های اکثر کشورهای اروپایی، کمک بزرگی به فراگیری حقوق شهروندی و ایجاد شهروندی خوب و فعال کرده است (۲۰). یک شهروند فعال دارای ویژگی‌هایی چون شهروند عقلایی است به این مفهوم که این شهروند از حداقل آگاهی‌های ذهنی نسبت به داشتن یک زندگی طراز بشری و جامعه در شأن انسانی برخوردار بوده و همچنین حقوق و مسؤولیت‌های شهروندی خود را تشخیص دهد (۲۱).

اعلامیه جهانی فراتر از این نگرش در جهت تعمیم و تحمیل دیدگاه‌های جهان‌شناختی و معرفت‌شناختی همچون سکولاریسم، دموکراسی لیبرال و آزادی لیبرالیستی و فردگرا گام برمی‌دارد و تکرار فقط در این چارچوب می‌پذیرد، ولی در اسلام تکرار در قالب زندگی مسالمت‌آمیز در پرتو دو عنصر «حقیقت» و «نفی سلطه» مورد پذیرش است. در پرتو اصل حق‌مداری که مبنای عقلانیت است، مفهوم انسان با آنچه در اعلامیه مورد پذیرش است، مغایرت دارد، زیرا انسان فقط همان موجود دوبا و مستقیم القامه نیست، بلکه هویتی مبتنی بر شعور و ادراک فراحوانی دارد و بر اساس آن از حقوقی افزون بر حقوق حیوانات برخوردار است. برخورداری انسان از کرامت انسانی مطلوب اسلام است، در حالی که اعلامیه جهانی، انسانی را دارای کرامت می‌داند که زندگی و ادراک او در سطح چارپایان، بلکه پایین‌تر است. به بیان دیگر می‌توان گفت که اعلامیه حقوق بشر برای انسان حقوقی فراتر از آنچه اسلام برای حیوانات قایل است، تعریف نکرده و به این سبب شأن انسان را از جایگاه رفیع و متمایز انسانی تنزل داده است (۲۲).

مفهوم حقوق شهروندی در اسلام

مهم‌ترین آموزه‌های ادیان الهی، ارزش و کرامت انسانی است. این کرامت انسانی است که انسان‌ها را از تعدی به حقوق دیگران بازمی‌دارد. پذیرش مسؤولیت از طرف انسان در برابر

خداوند و رابطه عبودیت در تعیین حدود حقوق انسان بسیار مؤثر است. بر اساس جهان‌بینی توحیدی دین اسلام و برخلاف مکاتب حقوق طبیعی و عقلی تنها خداوند قانونگذار است، البته در شرایطی خداوند اجازه وضع برخی از قوانین را به پیامبران و یا جانشینان آن‌ها (که آن‌ها نیز از دستورات خداوند پیروی می‌نمایند) داده است. از آنجایی که در دین اسلام زندگی دنیوی و اخروی انسان‌ها در پیوند است، پس سعادت و خوشبختی او در آخرت معلول سعی و تلاش در اجرای قوانین الهی است. هدایت بشر به سوی سعادت و خوشبختی تنها از جانب خداوند صورت می‌پذیرد و خداوند است که حقوق شهروندان را تبیین و وضع می‌نماید. نظام حقوق شهروندی در دین اسلام برخلاف دین مسیحیت (بسیاری از اندیشمندان مسلمان معتقدند که حضرت مسیح از نظر حقوقی نظام جدیدی معرفی نکرده است) دارای نظام حقوقی بوده که این نظام حقوقی اسلامی برخاسته از کتاب قرآن و سنت و عقل می‌باشد. انسان همواره می‌باید از عقل خود بهره گرفته تا ضمن شناخت خود، منبع شناخت جهان را بهتر بشناسد. از آنجایی که نارسایی عقل وجود دارد، پس ضرورت دارد تا وحی به کمک و راهنمایی انسان بپردازد. به عبارتی خداوند برای هدایت بشر از وسیله وحی استفاده می‌نماید و برای این کار از بین انسان‌ها صالح‌ترین آن‌ها را برای ارتباط خود با انسان‌ها بر می‌گزیند تا قوانین را به آن‌ها بیاموزد. در حقوق شهروندی اسلامی هم حکمران‌ها و هم فرمانبران دارای وظایف می‌باشند.

نتیجه‌گیری

حقوق بشر و حقوق شهروندی هدایای الهی و جز حقوق ذاتی و طبیعی انسان‌هاست و کسی نمی‌تواند این امتیازات یا بخشی از آن‌ها را اعطا و یا حذف نماید. حقوق بشر و حقوق شهروندی، حقوقی هستند که انسان به صرف انسان بودن و نه به دلیل موقعیت خاص یا ویژگی خاص دارا می‌باشد. به عبارتی این حقوق حق مسلم تمامی افراد فارغ از نژاد، رنگ، جنس، زبان و مذهب است، پس به سبب ارزش‌های مساوی و یکسان و کرامت ذاتی انسان می‌توان حقوق بشر را جهان شمول دانست. حقوق بشر به کرامت انسانی می‌پردازد و بدین

سبب وصف جهانی به خود می‌گیرد. همان‌گونه که رابرتسون فشرده‌شدن جهان و هم افزایش آگاهی از مسائل جهانی را ناشی از جهانی‌شدن می‌داند، پس بر این اساس می‌توان ادعا نمود که حقوق بشر و حقوق شهروندی امروزه جهانی شده و ارزش معنوی بالایی را کسب نموده است. حقوق بشر امروزی دارای شبکه‌ای از قواعد به هم پیوسته‌ای است که نمی‌شود بخشی از آن را برگزید و بقیه بخش‌ها را رها نمود. به درستی می‌توان اظهار کرد که انجام اصول و قواعد حقوق بشری بر اساس بینش و تشخیص حاکمان نمی‌باشد که بخواهند بخشی از آن را مورد پذیرش قرار دهند و یا کل آن را حذف نمایند. مقوله حقوق بشر و حقوق شهروندی زمانی به درستی تحقق می‌یابد که اکثریت اعضای آن جامعه و یا کشور آشنا به حقوق مدنی، اقتصادی و سیاسی خود بوده و حکام کشورها نتوانند ملت‌ها را از بخش و یا کل این حقوق محرم نمایند. با شناخت بیشتر حقوق بشری و شهروندی انسان‌ها نه تنها می‌توانند به امتیازات برابر بیشتری برسند، بلکه با ایجاد احساس مسئولیت و تکالیف در برابر یکدیگر کمک بزرگی به ایجاد بیشتر عدالت در جوامع مختلف در جهان می‌کنند. در این راه آموزش و تربیت شهروندی در دوره‌های آموزشی باعث می‌گردد تا شهروندان آگاه‌تر و مسئولیت‌پذیرتر شوند. آموزش حقوق بشر و حقوق شهروندی در کشورهای توسعه‌یافته از دوره دبستان تا دانشگاه‌ها صورت می‌گیرد و این دوره‌های تربیتی و آموزشی سبب می‌شود تا درک و شناخت شهروندان نسبت به حقوق و مسئولیت خود در مقابل جامعه بیشتر شود. به عبارتی این آگاهی‌ها سبب مسئولیت‌پذیری بیشتر و مشارکت گسترده‌تر در برنامه‌های گروهی و اجتماعی می‌شود.

بنا بر آنچه بیان شد، این طور می‌توان نتیجه‌گیری نمود که در بیان حقوق و آزادی‌های بشر، تفاوت چندانی میان معیارهای اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه حقوق بشر اسلامی وجود ندارد. با این وجود، تفاوت‌هایی هم بین این دو اعلامیه وجود دارد. به طور خلاصه می‌توان گفت که مهم‌ترین تفاوتی که بین دو اعلامیه وجود دارد، مربوط به نقش مذهب می‌شود. اعلامیه جهانی، توجه جدی به مذهب و دین ندارد و همه افراد را در پذیرش و انتخاب و تغییر عقیده آزاد می‌گذارد

و هیچ کس را به پذیرش دین معینی یا عدم تغییر دین و عقیده‌ای اجبار یا مورد اکراه قرار نمی‌دهد، ولی در اعلامیه حقوق بشر اسلامی، مذهب اسلام نقش مهمی را بر عهده دارد و حقوق و آزادی‌هایی که در اعلامیه قیدشده با آن مورد سنجش قرار می‌گیرد. اسلام، تغییر مذهب را نمی‌پذیرد و اسلام را به عنوان تنها دین عامل رستگاری معرفی می‌کند. با این اوصاف، به نظر می‌رسد هر دو اعلامیه به دنبال تحقق یک هدف هستند و آن، تضمین حقوق و آزادی‌های بشر می‌باشد و هر کدام به شیوه خود در راستای تحقق آن فعالیت می‌نمایند. کشورهای اسلامی باید توجه کنند که تکیه متعصبانه و انحصاری بر اجرای احکام اسلامی و بی‌مهری و رد اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین‌المللی، باعث انزوای بین‌المللی، عقب ماندگی و تحجر آن‌ها می‌گردد و بنابراین بهتر است این دو اعلامیه را در تضمین حقوق بشر، مکمل هم بدانیم، نه جایگزینی برای یکدیگر.

References

1. Jafari Langeroodi M. Legal Terminology. Tehran: Ganje Danesh Press; 1999. p.56.
2. Mesbah Yazdi T. Philosophical Lectures. Tehran: Islamic Propagation Organization Press; 1998. p.175.
3. Alizadeh M. Rights and Foundations of Justice. Qom: Azarakhsh; 2011. p.148-159.
4. Sajedi H. Convict and Defensive Rights. Tehran: Bitā Press; 2007. p.95.
5. Spoloda J. Engineering Economics. Translated by Zuheiri M. 1st ed. Ahvaz: Mutabar Press; 2004. p.45-57.
6. Bitz C. Global Fundamental Rights. London: Oxford University Press; 2009. p.89.
7. Bal O, Gradie P. Neutral Coduction of Human Rights. London: Oxford University Press; 2017. p.116.
8. Tabandah Gonabadi S. Religious Reading of Declaration of Human Rights. Tehran: Fakhr al-Din Borqei; 2007. p.132-147.
9. Islami H. Islamic Declaration of Human Rights and Problem of Inequalities. *Journal of Human Rights* 2012; 7(2): 360-368.
10. Manuchehri A, Jafari F. Influence of Globalization on Citizenship Rights in Iran. *Research Journal* 2014; 5(16): 136-147.
11. Ansari Rad M. Islamic Human Rights, Policies and Strategies. Tehran: Mortazavi Press; 2017. p.201.
12. Mehrparvar H. Executive Sanctions of Law in Iranin the Field of Human Rights. *Journal of Rahbord* 2006; 9(3): 278-295.
13. Shirazi G. Positive Laws of Iran and Judgments of Islam. Qom: Arghavan Press; 2016. p.198.
14. Ansari S. Cairo Declaration of Human Rights. Cairo: Hamshahri Newspaper; 2009. p.101-113.
15. Krik B. Democracy. Translated by Imani P. Tehran: Markaz Press; 2008. p.314.
16. Ale Buye A. Universal Thought of Human Rights (Comparative Study of Global and Islamic Declarations of Rights). *Review Book* 2014; 3(36): 11-20.
17. Mehrafarin R. Sassanid Cities. Tehran: SAMT; 2014. p.40-63.
18. Yahyaei F. Process of Transition and Impediments of Development of Democracy in Iran. Tabriz: Author; 2001. p.36-52.
19. Razaqi K. Standards of Judicial Procedure in International Documents and Judicial System of Iran. Tehran: Kanoon Monthly; 2002. No.115 p.112.
20. Rostami B, Karimi F, Hadian Shirazi A. Identification of Factors of Ethical Leadership in Quran and Nahjulbalaghah. *Journal of Ethics* 2014; 4(2): 65-78.
21. Arayesh M, Musaei M, Ehsani N. Professional Ethics in Agricultural Cooperatives. *Journal of Ethics in Sciences and Technology* 2018; 13(4): 9-16.
22. Feiz AR. Comparative Studies in Islamic Penal Law. Tehran: Islamic Propagation Press; 1985. p.66.